



جایگاه کرامت در مکتب حسینی؛ ابعاد فرهنگی و اجتماعی عاشورا

حجت الاسلام والمسلمین محمد عابدی گفت: ابعاد معنوی و فرهنگی قیام حضرت امام حسین علیه السلام راز اوج سربلندی و عزت سید الشهدا و اکاوی شد.

حجت الاسلام والمسلمین محمد عابدی گفت: ابعاد معنوی و فرهنگی قیام حضرت امام حسین علیه السلام راز اوج سربلندی و عزت سید الشهدا و اکاوی شد.

خبرگزاری مهر-گروه دین و اندیشه-عصمت علی آبادی: ایام پیش رو، خاطر هر انسان حق طلبی را متوجه واقعه ای می کند که در تاریخ انسانیت، افق روشنی از ایمان، فداکاری و سربلندی را گشود. محرم و عاشورا، نه تنها یادواره ای برای سوگواری و ماتم، بلکه فرصتی برای تعمق در پیام های عمیقی است که حضرت امام حسین علیه السلام در میدان کربلا به جهانیان آموخت. آنچه در این روزهای سراسر اندوه و بصیرت بیش از هر چیز نمایان می شود، مسئله عزت و کرامت انسانی است که امام حسین علیه السلام متعهدانه و تا پای جان، بر آن پای فشرد.

در میان انبوه مفاهیم عالی که حول حماسه حسینی شکل گرفته است، عزت نفس، اعتلا و غیرت جایگاهی ویژه دارند. امام حسین علیه السلام معلم بزرگ مقاومت و آزادگی است؛ او کسی است که نه تنها در برابر سلطه جویی و خواسته های غیرالهی ایستاد، بلکه در مراحل مختلف رسالت و قیام خویش، ارزش زندگی بر اساس کرامت انسانی را بارها تبیین نمود. پرسش اساسی اینجاست که آنچه واقعاً به زندگی انسان معنا می بخشد، چیست؟ آیا به راستی می توان عزت و سرافرازی را بدون هزینه کرد و گذشت، در زندگی فردی و اجتماعی تحقق بخشید؟ عاشورا، روزی است که حیات انسانی با مرزهای جدیدی تعریف شد و امام حسین علیه السلام با فداکاری بی نظیر، راه هر انسانی را برای رسیدن به مراتب بالای سربلندی و عزت هموار ساخت. اینجاست که نگرش انسان به مقوله مرگ و زندگی دچار تحولی اساسی می گردد و هر انسان وارسته ای در برابر دو انتخاب مهم، یعنی مرگ سرخ آمیخته به کرامت یا زندگی تیره در ذلت، قرار می گیرد. حال، این سوال مطرح می شود که چرا امام حسین علیه السلام تا بدین حد بر مسئله عزت پای فشرد و آن را فراتر از جان و حیات مادی دانست؟

بر همین اساس با حجت الاسلام والمسلمین محمد عابدی عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به گفتگو پرداختیم که بخش اول آن در ادامه تقدیم می شود:

*چه مؤلفه هایی سبب شده است که قیام امام حسین علیه السلام به عنوان نماد عزت و سربلندی در تاریخ اسلام مطرح گردد و چگونه این ویژگی را به نمایش گذاشته شد؟

درباره امام حسین علیه السلام و ایام پیش رو، مطالب فراوانی می توان مورد توجه و تأمل قرار داد. به نظر می رسد یکی از ویژگی های شاخص و مهم امام حسین علیه السلام که واقعاً کربلا اوج تجلی آن است، مسئله عزت و سربلندی است؛ عزیزی، شکست ناپذیری و حفظ صلابت اسلامی. کربلا، صحنه ای است برای تبلور سرافرازی یاران خداوند متعال و عاشورا، لحظه ای سبز در تاریخ است که به برکت فداکاری حضرت امام حسین علیه السلام، افتخار و سرافرازی به ایشان تعلق یافته است.

امام حسین علیه السلام، امام عزت است. حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام از این حیث مایه افتخار برای شیعیان و همه انسانیت است؛ چراکه جان خود را فدای انسانیت و کرامت انسانی کرد و زندگی بی ارزش و ذلت بار را همسنگ مرگ زرد دانست. مفهوم زندگی سبز و مرگ زرد را اگر در کنار یکدیگر قرار دهیم، درخواهیم یافت که حضرت حسین علیه السلام شخصیتی سرافراز و سرآمد بود. هرگاه سخنان و رفتارهای ایشان را در مسیر تاریخ مرور کنیم، حس بزرگی و افتخار و سربلندی در انسان ایجاد می شود.

کلماتی همانند غیرت، علوّ، قوّت و سایر مضامین بلندمرتبه، در فرمایشات ایشان بسامد بالایی دارد. با مطالعه این مفاهیم در کلام حضرت، مشخص می شود ایشان به موضوع عزت و سرافرازی توجه ویژه ای داشته اند. شهید مطهری نیز در این زمینه سخنی عمیق دارند و بیان می کنند: «با اینکه از امام حسین علیه السلام سخنان زیادی نقل نشده است، اگر نسبت بگیریم در میان ائمه معصومین علیهم السلام، بیشتر از همه درباره کرامت و عزت نفس از ایشان نقل شده است. راز آن، این است که داستان کربلا بستری بود که روح امام حسین علیه السلام در این زمینه تجلی خاصی پیدا کند.» شهید مطهری این مطلب را در کتاب «فلسفه اخلاق» مطرح می کند.

این عزت که اوج آن را در کربلا شاهدیدم، مقوله ای بسیار مهم و اساسی است که کمتر به آن پرداخته ایم؛ به این معنا که شهادت و مظلومیت امام حسین علیه السلام سایه افکنده بر اوج قله هایی که آن شهادت و مظلومیت به خاطر تحقق آن ها اتفاق افتاد. گاهی قله های عزت و کرامت که شهادت برای آن ها تحقق یافت، از دیده ها مغفول می ماند.

*چگونه می توان عزت و کرامت امام حسین علیه السلام را به نسل امروز نمایاند؟

امام حسین علیه السلام جمله ای معروف دارند که فرمودند: «موت فی عزّ خیر من حیات فی ذلّ»؛ یعنی مرگ با عزت، بهتر از زندگی در ذلت است. عزت و ذلت، عزیز بودن و ذلیل بودن، آقا بودن و نوکر بودن؛ معنای حقیقی زندگی آنجاست که خواست خداوند در جامعه حاکم باشد و دین خدا سربلند و سرافراز گردد و بشر تنها سر در مقابل خداوند فرود آورد. چنین زندگی ای برخوردار از معنا و ارزش حقیقی خواهد بود. خداوند در قرآن می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ پس جامعه مطلوب آن است که دین خدا و ارزش های متعالی در رأس و اوج قرار گیرند و بر جامعه سیطره یابند.

جامعه مطلوب از منظر قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام، جامعه ای است که ارزش های الهی در همه عرصه های سیاسی، اجتماعی، خانوادگی، فرهنگی و سایر زمینه ها، چیرگی داشته و معیار سنجش قرار گیرد. در سوی دیگر، اگر جامعه ای شاهد افول دین و ارزش های الهی باشد و گرد ذلت و بی ارزشی بر آن سایه افکند، حکومت های غیرالهی در هر جنبه ای که مد نظر قرار گیرد، این غبار ذلت را بر جامعه خود می پراکنند و زندگی در آن بی معنا خواهد شد. ارزش زندگی وابسته به زنده بودن ارزش های الهی است.

* از منظر قرآن و آموزه های اهل بیت علیهم السلام، ارکان یک جامعه عزتمندانه کدامند و چه نشانه هایی در سقوط یک جامعه به ورطه ی ذلت وجود دارد؟

در برابر سلطه و گسترش ذلت، باید برای بازگرداندن عزت تلاش کرد و هزینه های آن را نیز پذیرفت. برای آنکه دین خدا عزت و سیطره یابد، لازم است که در همه تعاملات اجتماعی، سیاسی، فردی، خانوادگی و حتی در ارکان کوچک و بزرگ زندگی، بهای آن پرداخت شود. حتی برای بهره مندی از یک لیوان آب نیز ناچار به پرداخت هزینه هستیم؛ پس اگر بخواهیم دین خدا را اعتلا دهیم و از آن حفاظت کنیم، باید آماده پرداخت هزینه آن باشیم؛ باید رنجش را به جان بخریم، باید از برخی تعلقات دست بکشیم.

اما هزینه ای که حضرت امام حسین علیه السلام پرداخت چه بود؟ باید توجه داشت بهایی که برای هر امر مهمی پرداخت می شود، متناسب با ارزش آن است. اگر چیزی بی ارزش باشد، هزینه اندکی می طلبد، اما اگر ارزشمند باشد، باید بهای گران تری برای آن پرداخت. همانند خرید فلزاتی چون مس، طلا یا الماس که بهای هر یک به ارزش و وزن آن بستگی دارد.

*پرداخت «هزینه عزت»، چه مفهومی نزد امام حسین علیه السلام دارد و چه آموزه هایی در پذیرش این هزینه برای امروز ما نهفته است؟

امام حسین علیه السلام تصریح فرمودند که سقف هزینه در برابر سلطه خواست غیرالهی بر جامعه، مرگ است؛ بدین معنا که بالاترین هزینه ای که یک انسان می تواند بپردازد، هستی و جان خویش است. من جان خود را فدای آن می کنم تا اراده غیر الهی بر جامعه اسلامی حاکم نشود. ارزشمند است که انسان جان خود را تقدیم کند تا جامعه الهی دچار ذلت نشود و عزت حاکم بماند، و انسانی به ذلت و خواری تن ندهد.

بنابراین، زندگی در جامعه ذلیلان برای انسان های عزت جو، بی معنا و تهی از محتواسست؛ چنین زیستی فاقد معناست. زمانی که زندگی معنا و ارزش خود را از دست می دهد، مرگ ترجیح داده می شود؛ البته مرگی که همراه با عزت باشد، زیرا همین عزت است که عنصر معنا بخش برای انسان به شمار می رود و زندگی را ارزشمند می کند. از منظر امام حسین علیه السلام، پرداخت بالاترین هزینه، یعنی مرگ، بر پذیرش زندگی در کنار انسان های ذلیل و با مناسبات ذلیلانه و تنفس در فضای جامعه ای که ذلت را می پسندد، ترجیح دارد. این نکته، حقیقتی بسیار عمیق است که شایسته تأمل و توجه فراوان است.

خداوند رحمت کند حضرت امام خمینی (ره) را که در کتاب صحیفه نور، جلد چهار، صفحه ۲۶۶، بیان می دارند: «مرگ سرخ به مراتب بهتر از زندگی سیاه است و ما امروز به انتظار شهادت نشسته ایم تا فردا فرزندانمان در برابر کفر جهانی با سرافرازی بایستند.» امروزه به روشنی مشاهده می کنیم که فرزندان همان نسل که دوران امام خمینی (ره) را درک کردند، چگونه در برابر کفر جهانی سرافرازانه ایستادگی می کنند. حاجی زاده ها و دانشمندان ما که به مقام شهادت نائل آمدند، با نهایت عزت و سرافرازی در برابر سلطه جهانی ایستادند. از این رو، یکی از پیام های محوری در شعارها و آموزه های امام حسین علیه السلام

این است که: «مرگ سرخ به مراتب برتر از زندگی سیاه است.»

این سخن به این معنا نیست که انسان باید خود را به استقبال مرگ بیفکند، بلکه بدان معناست که برای دستیابی به یک زندگی اصیل، باکرامت و معنوی باید تلاش کرد و اگر کسی قصد داشت این زندگی سفید و آرمانی را از انسان سلب کند، باید تا مرز ایثار و فداکاری، حتی جانفشانی، در راه دفاع از آن ایستادگی نمود. هدف و آرمان ما، زیستنی پاک، آرمانی و خداپسندانه است؛ اما اگر قرار باشد این زندگی اصیل و الهی را از ما بگیرند، حاضر به پذیرش «مرگ سرخ» هستیم، چرا که مرگ سرخ، شرافتمندانه بر زندگی سیاه ارجحیت دارد. بر این اساس، پیشنهاد می شود عنوان این گفتگو را «مرگ سرخ یا زندگی سیاه» انتخاب نمائیم.